فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی، سال اول، شمارهٔ اول، تابستان ۹۹، صفحات ۱۱۷-۱۳۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۵/۲۶

اخلاق محوری در ایدئولوژی بانک‌داری اسلامی با رویکرد نوین فقه

صفدر محمدی[۱]

سیامک جعفرزاده[۲]

چکیده

در نظام بانکداری غربی بیشترین قراردادها بر مبنای معاملات ربوی منعقد می‌شود و هدف بانک‌ها کسب سود بیشتر بدون توجه به منافع مشتری و مصلحت جامعه است؛ لذا در اینگونه نظام‌های بانکدار جایی برای اصول اخلاقی متصور نیست؛ اما در نظام بانکداری اسلامی ربا ممنوع بوده و راه‌های منفعت‌طلبی یک‌طرفه بانک‌ها مسدود شده است. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی – تحلیلی در صدد اثبات اخلاق محوری عقود بانکداری اسلامی است، تا بدین وسیله تبیین کند که اصطلاح بانکداری اخلاقی مرادف با اصطلاح بانکداری اسلامی است. لذا مسئله اصلی مقاله این است؛ آیا عقود بانکداری اسلامی بر مبنای اصول اخلاقی استوار گردیده اند؟ در این تحقیق، به این نتیجه رسیدیم که هدف اصلی بانکداری اسلامی ترویج معاملات بدون ربا و حذف عقود ربوی است چراکه ربا به عنوان یکی از گناهان کبیره، مذموم شناخته شده و از آنجا که موجب ظلم بر مستضعفین و مانع ترویج احسان و کمک به همنوع است، مغایر با اصول اخلاقی است؛ اما معاملات بدون ربا با هدف کمک به مستضعفین و ترویج فرهنگ قرض الحسنه سعی بر نهادینه کردن محاسن اخلاقی دارد و با اتکا به مبانی اخلاقی همچون همدلی و مشارکت، عقود مشارکتی را جایگزین ربا نموده است تا بدین وسیله زمینه مناسبی جهت اشتغال زایی و کارآفرینی به وجود آورد و در نهایت ریشه فقر و بیکاری را ـ که بستر فسادِ اخلاقی هستند ـ بزند.

واژگان کلیدی: بانکداری، عقود اسلامی، ربا، اخلاق، فقه اقتصادی

۱- عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه- ایران

۲- استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه- ایران (نویسنده مسئول) jafarzadeh@urmia.ac.ir

مقدمه

اقتصاد و اخلاق، در معنا بخشیدن به زندگی مادّی و معنوی بشر و نیل او به مدارج عالی کمالِ روحی، نقش تعیین کننده‌ای دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت، این دو مکمّل یکدیگرند. زندگی فردی و اجتماعی انسانها، بدون اقتصادی شکوفا و رشد یافته، بسی تلخ، دشوار و قرین نکبت و بدبختی است.

اقتصاد بیمار، همواره زمینه ساز نابودی ارزشهای اخلاقی و استیلای سایه سیاه فساد، فحشا، جرم و جنایت بر زندگی بشر است. چه بسا انسانهایی که وامانده گرده نانی بخور و نمیر هستند، نتوانند به تعالی معنوی بیندیشند و از آرمانهای انسانی و فضایل و مکارم اخلاقی، تصویر روشن و شایسته‌ای داشته باشند. از همین رو است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تهیدستی را سخت‌تر از قتل و امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام، مردن و زیر خاک رفتن را بهتر از ناداری دانسته‌اند.

امروزه بانک‌ها نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارند. این نقش به حدی است که تصور اقتصاد بدون بانک در روزگار ما مشکل است. از وظایفس مهم بانک‌ها تسهیل گردش پول و تجهیز و تخصیص منابع پولی است. اگر بانک‌ها این وظیفه‌ها را به‌خوبی انجام دهند، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه کشورها داشته باشند.

در سیستم اقتصادی غرب نیز بانک از اهمیت بالایی برخوردار است و نظام بانک داری متأثر از ایده‌ای اقتصادیی است که از اخلاق فاصله دارد. در واقع غربی‌ها اخلاق و اقتصاد را دو مقوله جمع ناشدنی می‌دانند که در مقابل هم هستند؛ به عبارتی آنها حداکثر سازی سود و مطلوبیت را وارد تحلیل‌های اقتصادی کرده اند که امروزه در کتب رایج اقتصاد غرب اساس بیشتر تحلیل‌ها را تشکیل می‌دهد و این تفکیک اخلاق از اقتصاد را «علمی سازی علم اقتصاد» نام گذاشته اند ایشان عقیده دارند ارزش‌گذاری‌های اخلاقی هر چقدر هم مهم باشند نباید در تحلیل‌های اقتصادی نقشی پررنگ داشته باشند. آنها همانند فیزیوکراتها معتقدند جامعه انسانی جزئی از

طبیعت به شمار می‌آید؛ لذا تابع قوانین حاکم بر طبیعت می‌باشد (تفضلی، :۱۳۸۵، ۷۰). نئوکلاسیک‌ها علم اقتصاد را بر اساس این اصل که «**انسان در جستجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است**» پایه‌گذاری کردند (قدیری اصلی، ۱۳۸۷، ۱۶۲). این تفکر، امروزه نیز روح حاکم بر نظام سرمایه‌داری است.

حقیقت این است که ریشه اصلی این‌گونه نظریات تغییر نوع نگرش عمده صاحب‌نظران مورد اشاره به انسان بوده و هست. آنها با جدا نمودن انسان از خدا و دین اصالت را به انسان و خواسته‌های او بخصوص خواسته‌های صرفاً مادی دادند (اومانیسم) و مسئله مهم سعادت ابدی وی را نادیده گرفتند. تئوری پردازان یاد شده کاری به سعادت ابدی انسان ندارند و لذا اصلاً متعرض آن نمی‌شوند. فایده گرایان سعادت را با لذِت و امیال نفسانی مرادف می‌دانند. آنها سعادت اجتماعی را نیز به بیشترین لذت برای بیشترین افراد تفسیر می‌کنند (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج۸، ۲۴).

لذا نظام بانکی در غرب بر قرض همراه با بهره (ربا) مبتنی است. در ایران نیز پیش از انقلاب نظام بانکداری ربوی در جریان بود. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی لزوم استقرار نظام بانکداری بدون ربا به صورت یکی از ضرورت های اساسی کشور مطرح شد (میرمعزی،۱۳۸۶، ص ۶۲). صنعت بانکداری یکی از مهمترین بخش‌های هر اقتصادی محسوب می‌شود؛ زیرا بانک‌ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی شمرده می‌شوند. بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل، این بانک‌ها هستند که عهده‌دار تأمین مالی بلندمدت نیز هستند؛ همچنین در فرآیند آزادسازی بازارهای مالی و پیوند با بازارهای جهانی، کارایی، شرط لازم است (حسینی و سوری، ۱۳۸۶، ۱۲۹). فعالیت بانکداری اسلامی در ایران بسیار جوان بوده و شروع آن به سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ شمسی) که انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست برمی‌گردد. (مشرف جوادی و قوچی فرد، ۱۳۸۸، ۱۰۴)

از منظر اخلاق نهادهای مالی به واسطه انطباقشان بر شریعت، عموماً اخلاق قلمداد می‌شوند. این نهاده‌ها به دنبال ارتقای عدالت و رفاه در جامعه هستند. (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۸۳)

لذا مسئله اصلی این تحقیق اثبات جایگاه اخلاق در عقود بانکداری اسلامی است. اهمیت و ضرورت در این است که با اثبات جایگاه اخلاق در بانکداری اسلامی می‌توان بر اخلاقی شدن بانکداری در کشورهای اسلامی اهتمام کرد و در صورت فقد مبانی فقهی و حقوقی به اخلاق استناد نمود و بدین ترتیب قوانین حاکم بر نظام بانکداری را به سمت بانکداری اخلاقی سوق داد.

هدف از انجام این تحقیق، شناخت مبانی اخلاقی در عقود بانکداری اسلامی و تأثیر اخلاق بر تحقق آرمان‌های بانکداری اسلامی است.

در این مقاله، ضمن آشنایی با عقود بانکداری اسلامی، از مبانی اخلاقی این عقود بحث و با فلسفه اخلاقی حرمت ربا در بانکداری اسلامی و تأثیر سوء ربا بر اخلاق نیز آشنا خواهیم شد.

۱- تعریف اخلاق

واژه اخلاق از خُلق به معنای خوی و سرشت است؛ چنان‌که در مصباح المنیر آمده است: «**الخُلُق بضمّتین السجیه**» (فیومی، ۱۳۶۶: ۸۸) خُلُق (با دو ضمه) به معنی سرشت است و علمای اخلاق نیز تعریفی که در اصطلاح برای خلق و اخلاق کرده‌اند، قریب به معنایی است که اهل لغت نموده‌اند. **ابوعلی مسکویه** در این باره می‌گوید: «**خلق حالی است برای جان انسانی که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی برمی‌انگیزد.**» (ابن مسکویه ۱۳۷۵ق، ۵۱)

از بحث لغوی که بگذریم، اخلاق را علم دانسته‌اند. مرحوم **نراقی** در تعریف «علم اخلاق» می‌گوید: «علم اخلاق دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک‌کننده می‌باشد.» (نراقی ۱۳۶۳ ج ۱: ۳۵-۳۴)

علامه طباطبایی در تفسیر **المیزان** در تعریف اخلاق می‌فرمایند:

«فنّی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست، به این غرض بحث می‌کند که فضائل آنها را از رذایلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام‌یک بد و رذیله و

مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسائی آنها خود را با فضائل بیاراید و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند.» (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱، ۵۵۸)

۲- بانکداری اسلامی (بانکداری بدون ربا)

نوعی از بانکداری یا فعالیّت بانکی است که براساس احکام شرع مقدس اسلام اجرا می‌شود. شارع مقدس اسلام، اجازه نمی‌دهد که برای دریافت وام، بهره‌ای دریافت شود. همچنین براساس احکام شرع مقدس اسلام، معاملاتی که فراهم کننده سود یا خدمتی باشد ولی با قوانین اسلام مغایرت داشته باشد ممنوع است. بانکداری بر مبنای احکام اسلام می‌تواند حالات گوناگونی داشته باشد. فتوای مراجع تقلید نقش بزرگی در نظام بانکداریا سلامی ایفا می‌کند. درواقع عنصر بانکداری اسلامی همان بانکداری بدون ربا است. هدف در نظام بانکداری اسلامی عبارت‌اند از: کنترل عرضه پول و کنترل نرخ بهره یا قیمت اوراق بهادار، اما در بانکداری اسلامی، نرخ سود مورد انتظار یا نرخ بازده، (دارندگان وجوه در یک نظام اسلامی، پول خود را مستقیماً یا با واسطه در امر سرمایه‌گذاری و معاملات شرعی به جریان می‌اندازند و نسبت سودی را که آنان پیش‌بینی می‌کنند به کل مبلغی که به جریان انداخته‌اند، در یک دوره معین، نرخ بازده یا نرخ سود مورد انتظار می‌نامیم) جایگزین نرخ بهره می‌گردد که این نرخ بر خلاف نرخ بهره، تضمین شده نیست. لذا، در نظام بانکداری اسلامی اخذ مبلغ اضافی از وام‌گیرنده، ربا و حرام است، مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا وضع نمود (فنائی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۶).

در نتیجه، رکن اصلی بانکداری اسلامی را معاملات بدون ربا تشکیل می‌دهد.

۳- ربا در لغت

واژه‌ی ربا در زبان فارسی، به معنای بیشی، افزون شدن، نشو و نما کردن، سود یا دینی که داین از مدیون می‌ستاند و نسیه خریدن و فزون گرفتن آمده است. (معین، ۱۳۷۷، ج ۲، ۱۶۳۴؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ۲۶، ۲۳۶ و ۴۵، ۴۵۶).

ربا در لسان العرب، این‌گونه تعریف شده: «**والأصل فیه الزیادة، من ربا المال إذا زاد أو إرتفع**»؛ یعنی، معنای ربا در اصل، همانا زیادی است، وقتی گفته می‌شود: «ربا المال»، یعنی مال زیاد شد و رشد کرد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ۳۰۵)

۳-۱- ربا در اصطلاح

معنای لغوی ربا، مساوی با معنای اصطلاحی آن نیست؛ زیرا در لغت ربا به مطلق زیادی اطلاق می‌شود، در حالی که به هر زیادی در معاملات و مبادلات ربا گفته نمی‌شود و هر اضافه‌ای حرام نیست؛ چه‌بسا فزون شدن مال در اثر تجارت، نه تنها از آن نهی نشده، بلکه مورد تشویق شارع مقدس نیز قرارگرفته است. در مفردات راغب آمده: «**الرّبا الزِّیَادَةُ عَلَی رَأس مَالٍ لَکِنْ خُص فِی الشَّرْعِ بِالزِّیَادَةِ عَلَی وَجْهٍ دُونَ وَجْهٍ**»؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ۱۸۹) یعنی: ربا در اصل زیادی بر اصل مال است؛ ولی از نظر شرع به زیادی ویژه‌ای اطلاق می‌شود.

برای تعیین حدّ ربا از نظر اصطلاحی و شرعی، اختلاف‌های فراوانی بین مذاهب گوناگون اسلامی و حتّی بین عالمان هر مذهبی وجود دارد و هر یک حدّی را برای ربا که از ادلّه‌ی شرعی موردنظرش گرفته شده بیان کرده اند. ریشه‌ی اصلی اختلاف‌ها از منابعِ استنباط و روشِ استنباط از منابع، نشأت می‌گیرد. ما در اینجا، به چند مورد از آنها اشاره خواهیم کرد:

ربا در **کنز العرفان**، چنین تعریف شده: «**الربَا لغةً هو الزیادة و شرعاً هو الزیادة علی رأس المال من أحد المتساویین جنساً ممّا یکال أو یوزن**؛

ربا در لغت به معنای زیادی است و در شرع به آن زیادی ربا گفته می‌شود که در کالاهای همجنس مکیل و موزون را به تفاضل مبادله می‌کنند.» (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ۹۰).

صاحب جواهر معتقد است ربای حرام در دو مورد تحقق می‌یابد:

۱. مبادله دو جنس مشابه با زیادی یکی از آن‌ها به شرط مکیل و موزون بودن.

۲. قرض دادن یکی به دیگری با شرط بازپرداخت اضافی (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ۳۳؛ شهید ثانی، ۱۴۲۵، ج ۳، ۳۱۶).

۳-۲- ادلّه‌ی حرمت ربا

۳-۲-۱- ربا در قرآن

الف) «**يَمْحَقُ اللّهُ الرِّبا وَ يُرْبِى الصَّدَقاتِ وَ اللّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ كَفّارٍ أَثِيمٍ**»؛ خدا ربا را تباه و صدقات را افزون می‌کند و او هیچ کفران پیشه گناهکاری را دوست نمی‌دارد (بقره: ۲۷۶).

ب) «**وَ ما آتَيْتُمْ مِنْ رِباً لِيَرْبُوَا فِى أَمْوالِ النّاسِ فَلا يَرْبُوا عِنْدَ اللّهِ**»؛ و آنچه به عنوان ربا داده‌اید تا در اموال مردم فزونی یابد، (بدانید که) نزد خدا زیاد نمی‌شود (و برکتی ندارد) (روم: ۳۹).

ج) «**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِىَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر مؤمنید از خدا بترسید و باقی مانده ربا را واگذارید (بقره: ۲۷۸).

۳-۲-۲- ربا در روایات

روایات زیادی در کتاب‌های معتبر شیعه و سنی درباره‌ی حرمت ربا آمده است که در اینجا به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

الف) پیامبر (ص): «**شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا**»؛ رسول خدا فرمود: بدترین کسب‌ها، رباخواری است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ۱۲۲).

ب) پیامبر (ص): «**مَنْ أَخَذَ الرِّبَا وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ**». هر کس ربا بگیرد کشتنش واجب است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ۳۳۴).

ج) امام علی (ع): «**إذا أراد اللّه بقريةٔ هلاكاً ظهر فيهم الرّبا**»؛ زمانی که خداوند بخواهد مردمی را نابود کند، ربا را در میانشان رواج می‌یابد (بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۳، ۴۳۴).

۳-۲-۳- ربا از دیدگاه اجماع

فقها اجماع را از جمله ادلّه حرمت ربا دانسته‌اند؛ شیخ طوسی می‌گوید: علما اجماع دارند، بر اینکه ربا از گناهان کبیره است (طوسی، ۱۴۰۴، ۵۸۹). شهید ثانی در کتاب **دروس**، علاوه بر نص، دلیل حرمت ربا را از اجماع می‌داند. در تحریر الوسیله امام خمینی (ره) آمده است: «**حرمت**

ربا به کتاب، سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است؛ بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد».

صاحب جواهر الکلام و محقق اردبیلی، اجماع را از دلایل حرمت ربا در اسلام می‌شناسند. (موسائی، ۱۳۷۷، ۱۹)

البته در اثبات حرمت ربا، اجماع نمی‌تواند، دلیل مستقلی باشد؛ زیرا که اجماع دلیل مُدرکی است؛ یعنی از قرآن و سنت دلیل بر حرمت ربا داریم؛ در حالی که اجماعی به صورت دلیل مستقل بر حکمی معتبر است که دلیلی از قرآن و سنت، بر آن موجود نباشد.

۳-۲-٤- ربا از دیدگاه عقل

اگر فعل و رفتاری از نظر عقل ناپسند باشد، شرع به حرمت آن حکم می‌کند. تمام افعال ستمگرانه به‌طور قطع از نظر عقل ناپسند است؛ پس هر فعلی که ستم به شمار آید، شرع آن را حرام می‌داند. طبق آیه‌ی **«وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ»** (بقره: ۲۷۹)؛ رباخواری از مصادیق ظلم و از نظر عقل، ناپسند است؛ در نتیجه از نظر شرع، حرام شمرده می‌شود؛ البته عقل، فی الجمله بر حرمت ربا دلالت دارد و همه‌ی انواع ربایی که روایات بر حرمت آنها دلالت دارند، عقل ممکن است چنین دلالتی نداشته باشد. (یوسفی، ۱۳۸۱، ۱۰۵).

۳-۳- فلسفه اخلاقی حرمت ربا

در قرآن و روایات از عواملی به‌صورت مستقیم یا غرمستقیم به‌عنوان علّت حرمت ربا یاد شده است که به اختصار به بیان آنها می پردازیم:

۳-۳-۱- مبارزه با ظلم

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ* فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ (بقره: ۲۷۹/۲۷۸) و در روایتی از امام رضا (ع) علت حرمت ربا را ظالمانه بودن آن دانسته شده است:

«عِلَّةُ تَحْرِیمِ الرِّبَا... و لِمَا فِی ذَلِکَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ...»؛ از ایشان درباره علت حرمت ربا سوال می‌شود می‌فرمایند: ربا اموال را به تباهی می‌کشاند. رباخواری ظلم است و موجب فنای اموال می‌گردد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ۵۶۶).

بنابراین، یکی از ادله حرمت ربا ظلم و ستم بر اقشار ضعیف و کم درامد است که چاره‌ای جز گرفتن ربا ندارند. از طرفی ظلم از عوامل بازدارنده رشد اخلاقی است و از آفات رشد و کمال معنوی انسان شناخته شده است؛ چنانکه، علمای اخلاق بیان نموده‌اند:

ظلم بزرگ‌ترین مانع معرفت و خطرناک‌ترین آفت سیر و سلوک است. هیچ آفتی برای خداشناسی و سیر و سلوک به سوی کمال مطلق، خطرناک‌تر از ظلم نیست (محمدی ری شهری و مسعودی ۱۳۸۸، ۵۲).

یکی از شنیع‌ترین و زشت‌ترین گناهان ظلم است، بلکه با کمی دقت و تحلیل عقلی باید گفت زشتی و شناعت گناهان دیگر هم به مقدار ظلمی است که در آنها است و معنای ظلم عبارت است از خروج از عدالت و حدّ وسط. (ر.ک: علامه طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ۱۲۳).

این ربا است که منجر بر سلطه فردی بر دیگری می‌شود و رباخوار را بر مدیون حاکم قرار می‌دهد و ترس را عاملی مناسب جهت تأدیه دین قرار می‌دهد. درواقع چنین نگرشی با مبانی اخلاقی غرب مناسبت دارد و هیچ تناسبی با مبانی اخلاق اسلامی ندارد. چنانکه **راسل** معتقد است، اخلاق فقط در جایی می‌تواند اخلاق باشد که انسان نگران عکس العمل سوء دیگران بر ضد منافع خودش باشد. بنا بر این نظریه، یک آدم ضعیف اگر هوشیار باشد، عمل ضد اخلاقی انجام نمی‌دهد چون می‌بیند دیگران می‌آیند چند برابر، منافع او را پایمال می‌کنند انسانی هم که نیروی دیگران را مساوی با نیروی خودش می‌بیند عمل ضد اخلاقی انجام نمی‌دهد چون می‌بیند همان اندازه که او می‌تواند از دیگران ببرد، دیگران نیز می‌توانند از او ببرند. در نقد نظر **راسل** باید گفت: اخلاق در درجه اول آن است که بتواند اقویا را کنترل بکند؛ بنابراین نظریه، ظلم اقویا ضد اخلاقی نیست و آنچه **نیکسون** در ویتنام یا خاورمیانه انجام می‌دهد ضد اخلاق نیست، چون همه حسابهایش را کرده است و می‌داند که زورش خیلی زیاد است و هر چه بخواهد ببرد و

بدزدد، نیرویی که بتواند منافع او را پایمال بکند وجود ندارد. وقتی که اخلاق عبارت از منفعت‌جوئی هوشیارانه باشد، این منفعت‌جویی هوشیارانه، برای ضعیف و برای کسی که نیرویش با دیگران متساوی است یک‌جور است، ولی برای قوی جور دیگری است قوی اگر مطمئن شد که ضعیف نمی‌تواند عکس‌العملی علیه او انجام بدهد، هر ظلمی که بکند، عملش اخلاقی است و ضد اخلاقی نیست، چون یک منفعت‌جویی هوشیارانه و حساب شده است، بدین ترتیب از نظر جناب **راسل** کار ضد اخلاقی انجام نداده است (مطهری ۱۳۷۲، ۲۲۱).

۳-۳-۲- ترویج کارهای نیک

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرِّبَا- لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنِ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ**»؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ۱۱۸) خداوند ربا را به این علّت حرام کرده است که مردم از کارهای خیرخواهانه امتناع نورزند.

همه فضایل اخلاقی معروف شمرده می‌شود، ولی دو فضیلت اخلاقی است که این حدیث بیشتر به آن عنایت دارد و آن مواسات و بشردوستی است که قرض الحسنه، این دو فضیلت را تقویت می‌کند؛ اما رباخواری به آنها ضربه می‌زند .قرض الحسنه موجب محبت، حسن تفاهم، نشر عطوفت و الفت بین قلبهاست و روح اتحاد، برادری و تعاون را درجامعه تقویت می‌کند، اما ربا موجب کینه، دشمنی، اختلاف و سنگدلی است (الهی نیا و مقدس نیان، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۲).

۳-۳-۳- جلوگیری از فقر و رکود

رکود به وضعیتی گفته می‌شود که تقاضا و فعالیت‌های اقتصادی به شدت کاهش یابد و عدّه‌ی قابل توجهی از نیروی کار جامعه بیکار شوند، تولید تنزّل پیدا کند، سرمایه‌گذاری متوقف شود، معادلات و مبادلات کم شود، بنگاه‌ها ضعیف و کم تجربه ورشکست شوند و قدرت خرید مردم در سطح قابل توجهی کاهش یابد (نوری کرمانی، ۱۳۸۱، ۱۰۸).

هشام از امام صادق (ع) درباره علت حرمت ربا سؤال کرد، امام (ع) فرمود: «**إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالًا- لَتَرَكَ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ- فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِتَنْفِرَ النَّاسُ مِنَ**

الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ- وَ إِلَى التِّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشِّرَاءِ»؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ۱۲۰) خداوند ربا را به این علت حرام کرد که مردم به کارهای تجاری و مفید روی آوردند و اگر ربا حلال می‌بود مردم فعالیت‌های مفید و اقتصادی را ترک می‌کردند.

تنگدستی پیامدهای ناگواری دارد که بر اخلاق فردی و اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:«**الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلاقَ**» (قمی، ۱۳۶۶، ج ۲، ۳۷۸) سختی و تنگدستی، اخلاق را فاسد می‌کند.

در نتیجه؛ چون فرهنگ ربا و رباخواری منجر به رکود اقتصادی و فقر می‌گردد و فقر نیز از عناصر مخرب اخلاق در مبانی شرعی معرفی گردیده است؛ لذا می‌توان گفت ربا از حیث اخلاقی بسیار مذموم و ناپسند است.

۳-۳-٤-کاهش فاصله طبقاتی

فما جاع فقير الا بما منع غنى، والله تعالى جده سائلهم عن ذلک (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰).

یعنی هیچ فقیری گرسنه و محتاج نمی‌شود، مگر به علت اینکه ثروتمندان از عمل به وظایف خودداری می‌کنند و مانع استفاده آنها از مواهب خلقت و نعمتهای خداوند می‌شوند و خداوند آنان را در این مورد تحت مؤاخذه و باز پرسی قرار خواهد داد.

«**وَ إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِکَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفِيها فَفَسَقُوا فِيها**»؛ هرگاه منطقه و جایی را بخواهیم نابود کنیم به سرمایه‌داران دستور می‌دهیم که در آنجا فسق کنند و تبهکاری و بی‌عدالتی را گسترش دهند (اسراء: ۱۶).

جهان سرمایه‌داری در پناه استثمار و قراردادهای سود و ربا و اصول بانکداری، زالوصفت خون جوامع انسانی را از طُرق مختلف می‌مکد و کم‌ترین ترحّمی نیز نسبت به آنان روا نمی‌دارد. بانک‌های چند ملیتی، ثروت جهان را در انحصار خود گرفته‌اند، ذخایر گرانبهای کشورهای مستضعف و جهان سوم را به کم‌ترین قیمت خریداری می‌کنند و تولیدات خود را به قیمت‌های گزاف به آنان می‌فروشند و روز به روز فاصله فاحش طبقاتی بین خود و آنان را افزایش می‌دهند (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰، ۵۴).

جوامع مادّی و مکتب‌های مادّه‌گرا، ثروت را معیار ارزش و بزرگی می‌دانند و تهیدستان را تحقیر می‌کنند و نه تنها آنها را از ثروت خویش بهره‌مند نمی‌سازند، بلکه حاضر نیستند که با آنان رفت وآمد داشته باشند یا لحظه‌ای کنارشان بنشینند.

چنین فرهنگی از خوی زشت تکبّر و فخر فروشی منشأ می‌گیرد و سبب فاصله عمیق طبقاتی در جوامع بشری می‌شود و این فاصله تا آنجا عمیق شده که علاوه بر شکاف ظاهری، رفتار، فرهنگ و حتّی طرز تفکّر دارا و درویش هم باهم تفاوت پیدا می‌کند. دینِ کامل اسلام، در برنامه‌های اصولی خود، طرح از بین بردن فاصله طبقاتی را به گونه‌ای جامع گنجانده است و با اجرای دقیق آن در دهه نخست هجرت، به این تجربه موفق دست یافته است، چنانکه دومین رهبر معصوم نیز آن را سرلوحه برنامه اقتصادی حکومت خویش قرار داده بود.
باور ما نیز همین است که اگر آنچه اسلام پیرامون توزیع ثروت ارائه داده به کار بسته شود، به‌طور قطع جواب مثبت خواهد داد؛ برای رسیدن به چنین آرمان والایی، کاری سترگ و فراگیر و مجالی بس گسترده نیاز است که بخشی از آن را هم «علم اخلاق» بر عهده‌دارد (الهی نیا و مقدس نیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ۷۷).

در نتیجه باید اذعان نمود ربا دستاوردی جز فاصله طبقاتی ندارد و فاصله طبقاتی مقدمه‌ای برای دوری از محاسن اخلاقی است چراکه فاصله طبقاتی، فخر فروشی و تکبّر را به دنبال خواهد داشت.

٤- همدلی و مشارکت

واژه **compassion** و **Mitleid** در نوشته‌های اخلاقی **شوپنهاور** به معنی «همدلی»، «دلسوزی»، «رحم»، «شفقت» و «غمخواری» ترجمه شده است. این اصطلاح در قرن بیستم توسط فیلسوفانی مثل **هوسرل، شلر، اشتاین** و دیگران به کار رفته است؛ اما بهترین تعبیر همان «همدلی» است. او همدلی را یگانه انگیزهٔ حقیقی اخلاق و حتی پایهٔ اخلاق می‌داند. هرچند در فلسفه اخلاق **شوپنهاور،** مفاهیم اخلاقی دیگری نیز وجود دارد ولی مرکزی‌ترین

مفهوم، «همدلی» است. **شوپنهاور** در کتاب پایه اخلاق این مفهوم را «راز بزرگ اخلاق» دانسته است. او تحلیل‌های متعددی از این مفهوم در کتاب‌های پایهٔ اخلاقی خود ارائه داده و دو مسالهٔ بنیادی اخلاقی را نیز در کتاب **جهان همچون اراده** و **تصور** تحلیل کرده است. **کارترایت** یکی از مفسران اندیشهٔ شوپنهاور می‌گوید که عمقِ فهم شوپنهاور از ماهیت و اهمیت اخلاقی این احساس {همدلی} در تاریخ فلسفه غرب بی‌نظیر است (شوپنهاور، ۱۳۹۰، ۵۵).

بر مبنای **تئوری اخلاقی همدلی**؛ مشارکت افراد جامعه موجب تشکیل مؤلفه‌های بنیادین روابط و وابستگی‌های انسانی و اعتبار عاطفی می‌گردد. لذا **اخلاق همدلی** مسئله روابط پایدار را به وسیله ترویج خوب بودن و یاری رساندن در شبکه روابط اجتماعی بررسی می‌کند. این نگرش اخلاقی بر انگیزه همدلی با آنانی که وابسته و آسیب‌پذیر هستند، بنا شده است و الهام گرفته از یادآوری دو اصل همدل بودن و آرمان پردازی برای خود است. طبق احساس‌گرایی سنتی نظریه اخلاقی، اخلاق همدلی اهمیت انگیزه همدلی و رابطه جسم و روان را با استدلال و استنتاج از اصول اخلاقی بیان می‌کند و نهایتاً اخلاق همدلی موجب می‌شود به وظیفه خود نسبت به افرادی که نمی‌شناسیم عمل کنیم بدون اینکه نیاز باشد nv اخلاق عدالت محور تغییری ایجاد شود (کانت، ۱۳۸۰، ۶۵).

بدون تردید اگر روحیه تعاون نبود، پیشرفت حیرت‌انگیز انسان در میدان‌های مختلف زندگی به این حدّ نمی‌رسید و آدمی زادگان هنوز گام‌های نخستین زندگی را می‌پیمودند، ابزار و وسایل اوّلیه جای خود را به تکنولوژی بسیار پیشرفته امروز نداده و شهرهای عظیم و متمدن امروزی پدیدار نشده بودند همان‌طور که نگهداری و ادامه میراث عظیم جامعه بشری نیز بدون تعاون، امکان‌پذیر نیست.

ضرورت تعاون از اصول اخلاق اجتماعی بلکه از اصول زندگی اجتماعی است و هیچ‌کس در هیچ شرایطی از آن بی‌نیاز نیست.

امام علی (ع) می‌فرماید: «**مؤمنان باید در کار نیک همکاری نمایند درست است که هیچ‌کس نمی‌تواند حق اطاعت خداوندی را چنان‌که باید بجا آورد؛ اما باید به‌قدر توان، حقوق الهی را رعایت کند و یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به‌اندازه توان نصیحت کردن و برپا داشتن حق و یاری دادن به یکدیگر است.**» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.)

سیره معصومین (ع) بر این بود که در امور اجتماعی مشارکت فعالی را از خود نشان می‌دادند. ایشان علاوه بر مدیریت در اموری مانند کشاورزی و داد و ستد، دامداری و غیره، مردم را در کارهای گروهی نیز یاری می‌دادند (مجلسی، ج ۴۶، ۶۹).

نتیجه می‌گیریم بانک ها و مشتریان با همکاری و مشارکت می‌توانند باهم متحد شوند و با افزایش تولید نیازهای جامعه اسلامی را به نوبه خود رفع کنند چرا که رفع نیاز جامعه اسلامی یکی از واجبات کفایی به شمار می‌آید؛ بنابراین هر مؤمنی که دارای سرمایه کمی است می‌تواند با مشارکت و اتحادِ سرمایه با دیگر برادران دینی خود اقدام به تولید کند و در رفع نیاز جامعه اسلامی به‌اندازه توان خود مؤثر واقع شود.

٤-١- آشنایی با تعدادی از عقود مشارکتی در بانکداری اسلامی

عمده قراردادهای بانکی را عقود مشارکتی ذیل تشکیل می‌دهند:

الف- مشارکت مدنی: قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می‌آمیزند.

ب- مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود.

ج- مضاربه: قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر با آن به تجارت می‌پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می‌شود.

د- مزارعه: طبق این قرارداد، بانک، زمین مشخصی را برای مدت معین در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد تا در آن کشاورزی کند. در نهایت سود حاصل بین طرفین تقسیم می‌شود.

هـ- مساقات: قراردادی است میان صاحب باغ و دیگری که به ازای دریافت مقداری از محصول، کار نگهداری از باغ و برداشت را انجام می‌دهد.

همانطور که از مفاد این قراردادها به دست می‌آید مبنا و صورت اصلی این عقود شراکت و همکاری بانک و مشتریان است

٤-٢- تأثیر مشارکت بر قوام جامع و اقتصاد

مشارکت در کار و سرمایه موجب می‌شود که سطح درآمد افراد جامعه نزدیک به هم گردد، در نتیجه، فاصله طبقاتی کاهش یابد و منجر به قوام اقتصادی جامعه شود. موضع قوام در اقتصاد و وضع بایسته‌ی آن در هر یک از حوزه‌های آن اعم از «مصرف»، «تولید» و «مبادله» قابل‌تعریف است. قوام در عرف به معنای رعایت «قصد» و حد وسط است، عدالت اقتصادی به این معنی، قاعده‌ای نتیجه محور است. در دیدگاه اسلامی از متوازن کردن سطح زندگی و معیشت و بی‌نیاز کردن فقرا حمایت شده است. منظور از توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه، از حیث سطح است نه از حیث درآمد و مقصود از سطح معیشت این است که سرمایه به‌اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار شوند و به عبارت دیگر، سطح زندگی واحدی برای تمام اعضاء جامعه تأمین شود. البته در داخل سطح مزبور، درجات مختلفی به چشم می خورد، ولی این تفاوت برخلاف اختلافات شدید طبقاتی در رژیم سرمایه‌داری، بیشتر، تفاوت درجه است، نه تفاوت اصولی در سطح.

توازن جمعی منحصر به زمان محدود و لحظه‌ی معین نیست، بلکه هدفی است مهم و اساسی که دولت باید برای نیل به آن از راه‌های مختلف قانونی، اقدام کند. شاید دلیل تحریم اسراف همین باشد، زیرا با این کار از یک‌سو از مصارف زائد طبقه‌ی مرفه جلوگیری می‌شود و از سوی دیگر، سطح زندگی طبقه‌ی پایین‌تر ارتقا پیدا می‌کند در نتیجه سطوح مختلف، یکدیگر نزدیک می‌شود و از شکاف طبقاتی کاهش پیدا می‌کند؛ تا آنجا که، بالاخره عموم مردم را در سطحی واحد، ولی در حالت متفاوت که البته دور از تناقضات شدید رژیم سرمایه‌داری باشد قرار می‌دهد این نظریه به نصوصی چند مستند است (صدر، ۱۳۴۹ ج ۲، ۳۳). پس

اقتصاد زمانی مقوّم جامعه خواهد بود که به دور از افراط و تفریط و مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی باشد. این بدان معنا است که فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالا و خدمات (پی. ار. جی لیارد، ۱۳۸۸، ۹) می‌بایست در این چارچوب انجام گیرد؛ وگرنه اقتصادی واقعی و اسلامی تحقق نخواهد یافت.

پس، به واسطه مشارکت و اتحاد سرمایه مادی و انسانی، مسلمین می‌توانند هرچه بهتر و بیشتر سرمایه‌های سرگردان و معلق را جمع کنند و به یک منبع مالی غنی تبدیل نمایند و نیروی انسانی را به بهترین شکل ممکن مدیریت، از هدر رفت آنها جلوگیری و برنامه‌های جامعه و کارآمدی در خصوص آموزش نیروی انسانی و خدمات تأمین اجتماعی و درمانی، ارائه کنند.

۵- کارآفرین

در نظام بانکداری اسلامی، عقودی مقرر گردیده که موئدای آنها کارآفرینی و اشتغال زایی است مانند **معاملات سلف** که در آن بانک محصولات تولیدی آینده بنگاه‌ها را پیش خرید می‌کند. همچنین **عقدجعاله** که در آن طبق قرارداد، کارفرما تعهد می‌کند که در قبال عمل مشخص کارگزار یا عامل، اجرت معینی به او بپردازد.

اخلاقیات با ارزشها در ارتباط هستندو کارآفرینی ارزش ایجاد می‌کند. ارزشها و ایجاد ارزش، متقابلاً از راه‌های جالبی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. در اخلاق از ماهیت ارزشها صحبت می‌شود ولی در کارآفرینی از ماهیت فرصت‌ها (Harmeling &.Sarasvathy, 2009, 9).

شامتر عقیده دارد کارآفرینی جلو برنده نیروی بازاری است و با بر هم زدن موازنه قدیمی و به وجود آوردن موازنه دیگر، از طریق خلاقیت، انقلابی را در ساختار اقتصادی کنونی به وجود می‌آورد(Harris, 2009, 407) .

اسلام کار و فعالیت اقتصادی را دارای ارزش و عبادت دانسته و بیکاری را به شدت نکوهش کرده است(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۶۷). هنگامی که حضرت رسول (ص) به کسی علاقمند می‌شد می‌پرسید آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند نه می‌فرمود: از چشمم افتاد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳،

۱۱). سستی در کار و در نقطه مقابل آن حرص، هر دو مذمت شده است و میانهٔ این دو توصیه گردیده است. کار علاوه بر کسب درآمد سبب عزت، رشد عقلانی و سلامت جسمی و نشاط روحی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ۸۷).

سیره معصومین نیز این بوده که کار آفرینی را به صدقه دادن ترجیح می‌دادند برای نمونه به روایت زیر استناد می‌کنیم:

به پیامبر عرض شد که یکی از تجار شهر همه دارای خود را از دست داده و تکدی گری می‌کند. پیامبر فرمود: او را نزدم بیاورید! بعضی رفتند و او را آوردند، فرمود: آنچه در خانه‌داری به اینجا بیاور و آن را کوچک نشمار. او به خانه خود رفت و یک پلاس و یک کاسه برداشت و به حضور پیامبر (ص) آورد و حضرت آنرا برای فروش به مزایده گذاشت.

عاقبت شخصی به دو در هم خرید، پیامبر آنها را به آن شخص فروختند و آن دو در هم را به آن مسلمانان داد و فرمود تا یک درهم غذای برای خانواده ات خریداری کن و با درهم دیگر یک عدد تیشه خریداری کند.

او به دستور پیامبر تیشه خرید و آورد و بعد حضرت فرمود: به بیابان برو و با این تیشه هیزمها را جمع کن و هیچ خار تر و خشکی را در بیابان، کوچک مشمار همه را جمع کن و بفروش.

او رفت و باهمان دستور کار کرد و بعد از پانزده روز در حالی که وضع مالیش خوب شده بود، به نزد پیامبر آمد.

پیامبر فرمود: کار کردن و مزد کار گرفتن برای تو بهتر است از (صدقه گیری) اینکه در روز قیامت به محشر وارد شوی و نشانه زشت صدقه در چهره ات باشد(همان، ج ۱۰۳: ص ۱۰)

درنتیجه، کار آفرینی و اشتغال زایی توسط عقود بانکی بدون ربا می‌تواند زمینه فساد اخلاقی را که ناشی از فقر و بیکاری است از بین ببرد و بستری مناسب جهت رشد و کمال جامعه در ابعاد گوناگون اخلاقی فراهم آورد.

٦- وام و قرض الحسنه

پاداش قرض دادن به حدی است که در روایتی پاداش آن بیش از صدقه دانسته شده است: پیامبر (ص) در بیان ارزش گذاری اعمال مومنان، قرض را با ارزش‌تر می‌داند و می‌فرماید: **اَلصَّدَقَةُ بِعَشرَهٍ وَ القَرضُ بِثَمانِيهَ عَشرَ وَ صِلَهُ الاِخوانِ بِعِشرينَ وَ صِلَهُ الرّحِمِ بِاَربَعَةٍ وَ عِشرينَ**؛ صدقه دادن، ده حسنه؛ قرض دادن، هجده حسنه؛ رابطه با برادران دینی، بیست حسنه؛ و صله رحم، بیست و چهار حسنه دارد. (کلینی،۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۰: ح ۳) امام صادق (ع) نیز قرض دادن را بهتر از صدقه دادن می‌داند و می‌فرماید: **لاِنْ اُقْرِضَ قَرْضا اَحَبٌ اِلَی مِنْ اَنْ اَصِلَ بِمِثْلِهِ**؛ مالی را قرض بدهم، بیشتر دوست دارم تا آن را ببخشم (مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۱۰۳، ۱۳۹).

از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) گزارش شده است که ایشان از جبرئیل درباره حکمت بیش‌تر بودن پاداش قرض از صدقه این‌گونه سوال می‌کنند: حکمت این موضوع چیست! در صورتی که هر کس صدقه می‌دهد در نظر ندارد آن را پس بگیرد، ولی کسی که قرض الحسنه می‌دهد در نظر دارد که آن را پس بگیرد؟! جبرئیل پاسخ می‌دهد: آری! ولی هر کسی که صدقه می‌خواهد (قطعی نیست که) محتاج باشد.

اما آن کسی که قرض می‌خواهد یقیناً محتاج است؛ بنابراین: چه‌بسا صدقه‌ای که به مستحق واقعی نرسد. ولی کسی که قرض می‌گیرد حتماً احتیاج دارد. بدین لحاظ است که ثواب قرض دادن از صدقه دادن بیش‌تر می‌باشد. (کلینی، ۱۳۷۷ج۴، ۳۳)

نتیجه‌گیری

– بانکداری اسلامی بخشی از مفهوم وسیع اقتصاد اسلامی است که نظام ارزشی و اخلاقی را با ساختار اقتصادی ترکیب می‌کند. به دلیل همین مفاهیم اخلاقی و ارزشی، بانکداری اسلامی چیزی فراتر از مفهوم ساده نحوه اداره بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌باشد. برمبنای این اصول اخلاقی و اعتقادی، نظام بانکداری برای تأمین مالی از روش‌هایی استفاده می‌کند که با اصول اسلامی سازگار است و از عواملی که بر مبنای این اصول حرام است دوری می‌کند و در معاملات

خود به سود و زیان هر دو گروه سهامداران بانک‌ها و مؤسسات مالی و مشتریان و ارباب‌رجوع توجه می‌کند.

– نقش اخلاق تا حدی در عقود بانکداری اسلامی محسوس است که می‌توان هنگام فقدان و یا تعارض ادله مشروعیت عقود بانکی یا هنگام ابداع عقود بانکی جدید به مبانی اخلاقی به عنوان یک منبع قانون‌گذاری استناد نمود و با اخلاق خلأهای قانونی را پوشش داد.

– علت تحریم ربا، ظلم ستیزی و گسترش فرهنگ احسان (قرض الحسنه) است که هردوی آنها از اصول اخلاقی مهم و تأثیرگذار به شمار می‌آیند چراکه ربا تبعات خاص خود را دارد که با اصول و مبانی اخلاقی کاملاً در تضاد است لذا بانکداری اسلامی نیز در راستای این اصول و مبانی اخلاقی از انعقاد عقود ربوی امتناع نموده و مبارزه با ربا را از اهداف اساسی خود معرفی نموده است.

– بانکداری اسلامی با ارائه عقود مشارکتی سعی بر مبارزه با ربا و ایجاد همدلی و مشارکت بین افراد جامعه دارد و چون مشارکت و همدلی تقویت کننده ارکان اخلاق است و مبانی اخلاقی را در جامعه بسط می‌دهد

بانکداری اسلامی به واسطه عقودی مانند قرض الحسنه در صدد ترویج عقاید اخلاقی و فرهنگ احسان و نیکی به همنوع است.

– هدف بانکداری اسلامی ریشه‌کن شدن فقر و بی‌کاری است که زمینه‌ساز رشد مفاسد اخلاقی است.لذا قراردادهای را منعقد می‌نماید که تأثیر مثبت بر اشتغال‌زایی و کارآفرینی دارد.

پیشنهادات

بهتر است بانک در انعقاد قراردادهای مشارکتی صرفاً نقش واسطه را داشته باشد و اجازه دهد تولیدکننده یا سرمایه‌گذاری که تقاضای وام دارد مستقیماً با سپرده‌گذار (مشتری بانک) قرارداد ببندد و بانک فقط نظارت بر عملکرد آنها داشته باشد زیرا این رابطه مستقیم می‌تواند حس همدلی و برادری را بین افراد جامعه بیشتر بسط دهد.

بانک‌ها باید جهت ترقیب افراد جامعه نسبت به افتتاح حساب قرض‌الحسنه فرهنگ‌سازی نمایند و تدابیری جهت تشویق آنها بدین امر خداپسندانه بیندیشند.

بانک‌ها باید به مشتریان خود اطمینان خاطر دهند که قراردادهای منعقده در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا بوده و سرمایه آنها صرف آبادانی کشور و اموری عامل المنفعه می‌شود تا مشتریان با طیب خاطر در بانک‌های اسلامی سرمایه‌گذاری کنند چراکه شک و شبهه از آفات رایج اخلاق بشمار می‌آیند.

منابع

۱- ***قرآن کریم***.

۲- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۲)، ***ربا و قرض در اسلام***، تهران، انتشارات اسلامی.

۳- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۷۸)، ***من لا یحضره الفقیه***، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴- ابن‌مسکویه، احمدبن‌محمد (۱۳۷۵)، ***تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق***، مترجم: نجفی‌افرا، مهدی، تهران، انتشارات اسلامی.

۵- ابن منظور (۱۴۰۵ق)، ***لسان العرب***، قم، نشر ادب الحوزه.

۶- اصفهانی، راغب (۱۳۹۲ق)، ***مفردات***، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ.

۷- الهی نیا، علی‌اصغر؛ مقدس نیان، سیدمحمد؛ وفا، جعفر (۱۳۸۸)، ***اخلاق اقتصادی***، اداره آموزش عقیدتی سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

۸- بروجردی، آقا حسین طباطبائی (۱۴۲۹ق)، ***جامع احادیث شیعه***، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.

۹- تفضلی، فریدون (۱۳۸۵)، ***تاریخ عقاید اقتصادی***، تهران، دانشگاه تهران.

۱۰- تقی نتاج، غلامحسن؛ نجف‌پور کردی، حمیدرضا؛ بحری، ثالث جمال (۱۳۹۱)، «هنجارهای یک نظام مالی اخلاقی و شرایط نیل به نظام مالی ایده آل در حوزه بانکداری»، ***فصل نامه بانکداری اسلامی***، شماره ۲۲.

۱۱- پی. ار. جی لیارد (۱۳۸۸)، ***تئوری اقتصاد خرد***، مترجم: عباس شاکری، تهران، نشر نی.

۱۲- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، ***وسایل الشیعه***، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۱۳- حسینی، سید شمس‌الدین؛ سوری، امیررضا (۱۳۸۶)، «کارایی بانک‌های ایران و عوامل مؤثر بر آن»، ***پژوهشنامه اقتصادی***، شماره ۲۵.

۱۴- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، ***لغت نامه دهخدا***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵- شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۰)، ***جهان همچون اراده و تصور***، ترجمه رضا ولی یاری، تهران، نشر مرکز.

۱۶- شهید ثانی، (۱۴۲۵)، ***مسالک الافهام الی تنقیح الشرایع الاسلام***، قم، موسسهٔ المعارف الاسلامیه.

۱۷- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۶)، ***تفسیر المیزان***، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۸- صدر (شهید) سید محمدباقر (۱۳۴۹)، ***اقتصاد ما***، تهران، برهان.

۱۹- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، ***من لا یحضر الفقیه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۰- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسین (۱۴۰۴)، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، تحقیق و تصحیح: قصیر العاملی، احمد حبیب، بیروت، دارالإحیاء التراث العربی.

۲۱- فنائی، سیدمجتبی، ناصر ذاکری، محمود روزبهان و عادل پیغامی (۱۳۹۱)، ***اقتصاد***، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.

۲۲- فیومی، احمدب ن محمد (۱۳۶۶)، ***مصباح المنیر***، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت(ع).

۲۳- قدیری اصل، باقر (۱۳۸۷)، ***سیر اندیشه اقتصادی***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۴- قمی، عباس (۱۳۶۶)، ***سفینه البحار ومدینه الحکم والأثار***، قم، انتشارات اسلامی.

۲۵- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۸)، ***تاریخ فلسفه***، مترجم: خرمشاهی، بهاءالدین تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۶- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰)، ***درس‌های فلسفه اخلاق***، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات نقش و نگار.

۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷)، ***أصول کافی***، ترجمه هاشم رسولی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه.

۲۸- مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۹)، ***بحار الانوار***، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران، ناشر اسلامی.

۲۹- محمدی ری شهری، محمد؛ عبدالهادی، مسعودی (۱۳۸۸)، ***اخلاق***، قم، انتشارات دانشگاه علوم قران و حدیث.

۳۰- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، ***فلسفه اخلاق***، تهران، انتشارات صدرا.

۳۱- مشرف جوادی، محمدحسین؛ قوچی‌فرد، حمزه (۱۳۸۸)، «ریسک در بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی)»، ***بررسی های بازرگانی***، شماره ۳۸.

۳۲- معین، محمد (۱۳۷۷)، ***فرهنگ معین***، تهران، دانشگاه تهران.

۳۳- موسایی، میثم (۱۳۷۷ش)، ***تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی (با توجه به روابط اقتصادی معاصر)***، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

۳۴- میر معزی سیدحسین (۱۳۸۶)، «بیع الخیار از دیدگاه فقه و کاربرد آن در بانکداری بدون ربا»، ***فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی***، دوره هفتم، شماره ۲۵.

۳۵- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، ***جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام***، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۶- نوری کرمانی، محمدامیر (۱۳۸۱ش)، ***موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر***. قم، مؤسسه بوستان کتاب.

۳۷- نوری، محدث (۱۴۰۸هق)، ***مستدرک الوسایل***، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۳۸- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۳)، ***جامع السعادات***، ترجمهٔ جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت.

۳۹- یزدی، عباس اسماعیلی (۱۳۹۰)، ***فرهنگ اخلاق***، قم، دلیل ما.

۴۰- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱)، ***جبران کاهش ارزش پول***، مجله فقه اهل‌بیت، دوره هشتم، شماره۳۱.

41. Harris, Jared D., Sapienza, Harry J., Bowie, Norman E., (2009), Ethics and entrepreneurship. *Journal of Business*, Venturing 24. 407–418.
42. Harmeling, Susan S., Sarasvathy, Saras D., (2009), ***Related Debates in Ethics and Entrepreneurship: Values, Opportunities, and Contingency***, Business Ethics.
43. Machan, Tibor R., (1999), Entrepreneurship and Ethics. ***Emerald International Journal of Social Economics***, Volume 26, Number 5.